

بررسی و شناسایی گونه‌های معماری انبار غلات در زندگی نیمه کوچ‌نشینی کوهپایه‌های زاگرس در استان ایلام

ابراهیم مرادی *، حسن عباس‌نژاد **، وحید ناصری **

1392/12/24

تاریخ دریافت مقاله:

1396/02/02

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

انسان از آغاز حضور خود بر روی زمین سعی در بهره‌برداری از طبیعت برای تأمین نیازهای خود داشته است. کوچ‌نشینی یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های زیست و تأمین معیشت است که از گذشته‌های دور تا کنون برای بهره‌برداری از منابع طبیعی و سازگاری با شرایط اقلیمی، ادامه پیدا کرده است. در این شیوه زیست، معماری مسکن به صورتی سیار و قابل حمل بوده است. تا کنون مطالعات زیادی در ارتباط با کوچ‌نشینی، در مناطق مختلف ایران توسط هیئت‌های ایرانی و غیر ایرانی صورت گرفته است که از جمله آن‌ها می‌توان به کتابی تحت عنوان «کوچ‌نشینی شمال خراسان» توسط پاپلی یزدی در سال 1371، مقاله دکتر مشیری با عنوان «نگاهی به مفاهیم و تاریخچه کوچ‌نشینی و تدریس آن در ایران» در سال 1377 اشاره نمود. همچنین مطالعاتی توسط فیلبرگ (1372) و مورتسن (1377) در مورد زندگی کوچ‌نشینی و نیمه کوچ‌نشینی در ایلات واقع در دامنه‌های زاگرس صورت پذیرفته است. اما تا کنون در ارتباط با نحوه انبار و ذخیره مواد غذایی در بین کوچ‌نشینان تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. گونه‌ای از کوچ‌نشینی در ایلات کردنشین شهرستان بدره واقع در دامنه‌های زاگرس در استان ایلام در گذشته‌های نه چندان دور مرسوم بوده است که در این نوع خاص از کوچ‌نشینی فواصل کوچ محدود و فاصله زمانی کوچ کردن از بیلاق به قشلاق و برعکس گاهی در مدت کمتر از یک روز انجام می‌شده است. در نتیجه این فاصله کم بین بیلاق و قشلاق، کوچ‌نشینان می‌توانستند علاوه بر پرورش دام به کشاورزی نیز بپردازند. استفاده از کشاورزی در این نوع از زندگی، کوچ‌نشینان را ملزم به ساختن انبارهایی برای نگهداری از غلات بدست آمده، نموده است. در این پژوهش، از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی استفاده شده و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش مطالعه کتابخانه‌ای، بررسی میدانی، مشاهده آثار و مصاحبه با معمرین منطقه استفاده شده است. در این مطالعه چهار نوع انبار مورد بررسی، شناسایی و تحلیل قرار گرفته است. انبارهای مذکور به نام‌های اماره، تاپو، کنیوه و چال‌آو تقسیم می‌شوند. در این تحقیق همچنین وضعیت این انبارها از لحاظ موقعیت قرارگیری، شیوه ساخت، مصالح، نحوه دسترسی، نوع غلات، شیوه نگهداری، نحوه مالکیت و زمان ساخت مورد مطالعه قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: کوچ‌نشینی، نیمه‌کوچ‌نشینی، انبار غلات، عشایر، ایلام.

* استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام. moradi@ilam-iau.ac.ir

** کارشناسی‌ارشد معماری، دانشگاه ایلام.

مقدمه

طبیعت به‌عنوان محیط زندگی بشر همواره تأثیرگذار بوده و در عین حال می‌توان اثر آن را بر انسان و زندگی او در همه جا مشاهده نمود.

یکی از ابتدایی‌ترین نوع معیشت‌های بشر بعد از گذر از مرحله شکارگری و شروع اهلی کردن دام و کشاورزی، کوچ‌نشینی بوده است (هول، 1352، 15-16 و رجواند، 1344، 30). این نوع از زندگی بشدت به دام و مراتع وابسته است. این شیوه زندگی مستلزم حرکت‌های فصلی در پی مرتع تازه می‌باشد. در طول تاریخ همواره یکی از مهمترین دغدغه‌های انسان علاوه بر ایجاد سرپناه برای خود، ایجاد فضایی برای انبار و ذخیره مایحتاج خود بوده است. این احتیاج خصوصاً در زندگی متکی بر کشاورزی و دامداری، خود را بیشتر نشان می‌دهد. نمونه‌ای از این نوع انبار و ذخیره مواد غذایی را می‌توان در زندگی کوچ‌نشینی مشاهده نمود. عشایر نیمه کوچ‌نشین کوهپایه‌های زاگرس در استان ایلام از روش‌های خاصی برای این موضوع استفاده می‌کردند. امروزه به‌علت یکجانشینی شدن اکثر عشایر و پیشرفت بشر، استفاده از روش‌های سنتی برای نگهداری غلات به فراموشی سپرده شده است، اما وجود این آثار که در حال حاضر در اکثر کوهپایه‌ها و دره‌های زاگرس در استان ایلام نمایان هستند از یک طرف وظیفه ما را در حفاظت، نگهداری و مرمت این نوع معماری که قسمتی از فرهنگ و تمدن گذشته این منطقه است دو چندان می‌کند و از طرف دیگر ما را با یک نوع معماری همساز با اقلیم توسط ساکنان این مناطق رهنمون می‌سازد.

پرسش‌های تحقیق

- گونه‌های مختلف انبار کردن غلات در زندگی نیمه کوچ‌نشینی به چه صورت بوده است؟

- روش نگهداری غلات در عشایر نیمه کوچ‌نشین چگونه بوده است؟

- عشایر نیمه کوچ‌نشین از چه مصالحی برای ساخت انبار غلات خود استفاده می‌کردند؟

- انبار غله مورد استفاده عشایر نیمه کوچ‌نشین در چه مکان‌هایی ساخته می‌شد؟

ضرورت تحقیق

مطالعات مربوط به کوچ‌نشینی، در مناطق مختلف ایران توسط هیئت‌های ایرانی و غیر ایرانی صورت گرفته است. این تحقیقات بیشتر در زمینه‌های نظام اجتماعی، فرهنگ مردمی، مسیرها و مکان‌های کوچ و حتی نوع معماری مسکن و زندگی کوچ‌نشینی بوده است (Zagarell, 1975; Bates & Lees, 1977; Pollar, 1990; Adams, 1974; Hole, 1978; و رجواند، 1344؛ زاگال، 1387؛ علیزاده، 1387؛ صفی‌نژاد، 1385؛ بهاروند، 1385 و نورالهی، 1390). اما تا کنون در ارتباط با نحوه انبار و ذخیره مواد غذایی در بین کوچ‌نشینان تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. براین اساس در این مقاله، سعی در بررسی انبارهای غلات کوچ‌نشینان کوهپایه‌ها و دره‌های زاگرس در استان ایلام شده است. آنچه اهمیت این پژوهش را دوچندان می‌کند نوع راهکارهای کوچ‌نشینان این منطقه در غلبه بر عوامل اقلیمی و چگونگی استفاده از ویژگی‌های توپوگرافی و شناخت معماری این بناها است که می‌توان آن‌را گونه‌ای از معماری همساز با اقلیم به‌شمار آورد.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی استفاده شده است و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش مطالعه کتابخانه‌ای، بررسی میدانی، مشاهده آثار و مصاحبه با معمرین منطقه استفاده شده است. در پژوهش صورت گرفته ابتدا برای بدست آوردن درکی صحیح از

آن پرورش دام و برخورداری از فراورده‌های دامی است (طیبی، 1371، 141).

تمایز کوچ‌نشینی، از سایر انواع معیشت به شکل زیر خلاصه می‌شود:

1. وابستگی انسان به حیوان،
2. استفاده از چراگاه‌های طبیعی،
3. کوچ و جابجایی انسان و دام، به منظور بهره‌گیری از چراگاه‌های طبیعی و احتراز از گرما و سرمای شدید (امان‌اللهی بهاروند، 1367، 1).

معمولاً متناسب با محیط زندگی و نوع دام‌ها و نحوه تعریف آن‌ها، دو نوع کوچ تشخیص داده شده است:

1. کوچ افقی 2. کوچ عمودی (مشیری، 1372، 14).
- کوچ افقی بیشتر مربوط به عشایری است که در سرزمین‌های وسیع، مسطح و خشک زندگی می‌کنند و عمده چارپایانشان نیز شتر می‌باشد (طیبی، 1371، 143). اما کوچ عمودی جابجایی گروهی خانوارهای کوچنده از دشت به ارتفاعات است که در این حالت ایلات کوچنده غالباً در مدت اقامت در گرمسیر به کشت و زرع محدودی نیز می‌پردازند (طیبی، 1371، 142). برایان اسپونر (1973) با طرح این نظر که کوچ‌نشینی را می‌توان نتیجه آشکار تولید فراوان غله بر شمرد، حدس می‌زند کوچ‌نشینی گله‌داری یکی از نتایج ضمنی کشاورزی باشد (نورالهی، 1390، 99).

ویژگی این نوع کوچ‌نشینی که آن‌را از کوچ افقی متمایز می‌سازد، آشنایی ایلات و عشایر کوچنده به فعالیت‌های زراعی است (نیک خلق و نوری، 1377، 28). اغلب دانشمندان معتقدند که زندگی کوچ‌نشینی پس از گسترش کشاورزی و در نتیجه افزایش جمعیت انسانی بوجود آمده است. به عبارت دیگر چون با گذشت زمان، جمعیت انسانی فزونی یافت و زمین‌های

زندگی نیمه‌کوچ‌نشینی و جهت آشنایی با این نوع خاص از زندگی عشایری، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به تعریف این شیوه زیست و نیازهای منتج از آن و شیوه برخورد با طبیعت توسط نیمه‌کوچ‌نشینان اشاره شده است. در ادامه با استفاده از مطالعات میدانی، بررسی پیمایشی، مشاهده مستقیم، عکسبرداری، اندازه‌گیری و مصاحبه با مطلعین و معمرین منطقه به شناسایی کامل این آثار اقدام شده است. با توجه به تنوع در شکل و فرم ساخت انبارهای شناسایی شده، از هر گونه یک نمونه که قابلیت دسترسی بیشتری داشته است با دقت اندازه‌گیری شده و جهت تکمیل کار اقدام به طراحی پلان و مقطع آن شده است. سپس در انتها با استفاده از اطلاعات بدست آمده از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی در قالب یک تحلیل توصیفی و مقایسه‌ای به گونه‌شناسی این انبارها پرداخته و ویژگی‌های هر یک از آن‌ها را به صورت جداگانه و یا در مقایسه با دیگر گونه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

کوچ‌نشینی

زیستن به شیوه عشایری و کوچندگی یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های زندگی و تأمین معیشت است که در طول تاریخ همواره ادامه پیدا کرده است. پدیده کوچ اولین هماهنگی و سازش انسان با محیط طبیعی است که البته جبر محیطی در آن مسلط است (مشیری، 1372، 6). منظور از زندگی کوچ‌نشینی آن نوع زندگی است که در آن انسان از راه پرورش حیوانات و معمولاً با برخورداری از فراورده‌های کشاورزی زیست می‌کند و در پی چراگاه‌های طبیعی، سالیانه از محلی به محل دیگر کوچ می‌کند (امان‌اللهی بهاروند، 1367، 1). هدف از این نوع زندگی، استفاده از موقعیت سرسبزی مراتع و چراگاه‌های طبیعی در فاصله زمانی معین و هدف غایی

حاصلخیز به زیر کشت درآمد، ناگزیر گروه‌هایی از مردم که برای آن‌ها بهره‌گیری از زمین‌های در خور کشت امکان‌پذیر نبود، به پرورش حیوانات پرداختند (هول، 1352، 15-16).

زندگی نیمه کوچ‌نشینی

یکی از انواع گونه‌های زندگی عشایری، زندگی به شیوه نیمه‌کوچ‌نشینی است. در این شیوه از زندگی، عشایر علاوه بر دامداری به کار کشاورزی نیز می‌پردازند. بنابراین در این شیوه از زندگی، اهمیت کشاورزی در حد دامداری و یا حتی بیشتر از آن است. لذا مسئله نگهداری غلات برای عشایر نیمه کوچ‌نشین، به هنگام کوچ یک موضوع حیاتی بوده است. انسان نیمه‌کوچ‌نشین که حمل غلات بدست آمده برایش کاری دشوار و همراه با خطر بوده است، سعی در ایجاد انبارهایی برای حفاظت از آن‌ها نموده است.

در واقع در مناطقی که این نوع زندگی رواج دارد، کشاورزی در خدمت فراهم کردن غلات برای انسان و علوفه تغذیه‌ای برای دام‌ها است و شرایط جغرافیایی و آب و هوایی آنچنان متنوع است که دام‌ها در طول تمام سال علوفه تغذیه‌ای خود را در یک فضای محدود بدست می‌آورند، بنابراین نیازی به کوچ‌های بلند احساس نمی‌شود و چنین کوچ‌هایی وجود ندارند. در این طبقه‌بندی هم اجتماعاتی جای می‌گیرند که حالت دهقانی دارند و در خانه‌هایی به نام "گوربی" و گاهی در زیر چادر زندگی می‌کنند و گاهی چادرهای خود را به دلایل بهداشتی به چند صد متر دورتر از مکان قبلی چادر انتقال می‌دهند، و هم اجتماعاتی جای می‌گیرند که به منظور دستیابی به مراتع بهتر برای گله‌های خود، تغییر مکان می‌دهند، ولی باید توجه داشت که این جابجا شدن‌ها و کوچ‌ها حداکثر تا وسعت 20 تا 50 کیلومتری

انجام می‌گیرد و با یک نظام پیچیده کوچ‌نشینی مواجه نیستیم (فیلبرگ، 1372، 52).

مورتسن، این نوع زندگی را در بین کوچ‌نشینان لرستان و ایلام مورد مطالعه قرار داده و از آن به‌عنوان کوچ‌نشینی بسته یاد می‌کند. وی این نوع زندگی را حاصل تماس کوچ‌نشینان با کشاورزان می‌داند که در نتیجه این تماس، کوچ‌نشینان علاوه بر کار دامداری تا اندازه‌ای به زندگی کشاورزی متمایل شده و در حال حاضر نیز به زندگی در روستاها روی آورده‌اند (مورتسن، 1377: 53).

نقش انبار غلات در زندگی نیمه کوچ‌نشینی

زندگی عشایری با کوچ از بیلاق به قشلاق و بالعکس به‌عنوان نوعی الگو برای سازگاری با تغییرات اقلیمی و بهره‌برداری از منابع طبیعی، از عوامل اصلی پیدایش و تکوین زندگی کوچ‌نشینی است که از قدمتی چندین هزارساله در این مرز و بوم برخوردار است (اکبری، 1383، 2).

با توجه به نقش و اهمیت کشاورزی در زندگی نیمه کوچ‌نشینی و با توجه به فاصله کم موجود بین بیلاق و قشلاق، حفاظت و نگهداری غلات حاصل از فعالیت‌های کشاورزی موضوعی مهم در این شیوه زندگی می‌باشد که این موضوع در پاره‌ای نقاط، نیمه کوچ‌نشینان را به ایجاد انبارهایی برای نگهداری از غلات موجود، ملزم نموده است. از آن جمله می‌توان به شیوه نگهداری غلات در بین عشایر کوچ‌نشین شمال خراسان اشاره کرد. انبارهای غلات در زندگی کوچ‌نشینان شمال خراسان انبارهایی استوانه‌ای شکل است. دیوار آن‌ها معمولاً گلی و سقف آن صاف و تیرپوش است که روی آن کاهگل کشیده‌اند. از سال

بررسی‌های باستانشناسی حاکی از استقرار انسان و زندگی یکجانشینی در این منطقه از حدود حداقل 5000 هزارسال ق.م دارد. آثار شهرها و آبادی‌های دوره‌های اشکانی، ساسانی و اوایل اسلام تا حدود قرن هفتم هجری در قسمت‌های مختلف این شهرستان از جمله در دره دربند، لارت، منطقه روبه‌رود و روستای کلم قابل مشاهده است. از حدود قرن چهارم هجری به دلایل متعدد از جمله وقوع زلزله، درگیری بین حکومت‌های مرکزی ایران مانند غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان با حکومت خلیفه عباسی در بغداد و در نهایت هجوم وحشیانه مغولان و ناامنی‌های ناشی از آن در قرن هفتم هجری به تدریج مردم، شهرها و روستاهای آباد این منطقه را ترک و به زندگی عشایری و نیمه‌کوچ‌نشینی روی آوردند. این زندگی عشایری از حدود قرن هفتم هجری تا اوایل دوره پهلوی اول ادامه داشته است. در دوره پهلوی اول با تخته‌قاپو کردن عشایر، عده‌ای از مردم این منطقه به زندگی در شهرها و روستاهای جدید روی آوردند و با انقلاب سفید شاه و انجام اصلاحات ارضی در دوره پهلوی دوم تقریباً بیشتر عشایر این منطقه یکجانشین شدند. در طول این مدت که تقریباً حدود هفت قرن طول کشیده است، مردم این منطقه علاوه بر دامداری، برای امرار معاش خود و علوفه دام‌هایشان تا حدودی به کشاورزی نیز پرداخته‌اند.

با توجه به بررسی‌های انجام شده در کوهپایه‌های زاگرس در استان ایلام که بستر زندگی نیمه‌کوچ‌نشینان این نواحی را تشکیل می‌دهد، چهار گونه انبار با نام‌های محلی اماره، تاپو، کنیوه و چالاو توسط نگارندگان شناسایی شده است. از این انبارها برای نگهداری غلات مورد نیاز عشایر استفاده شده است. این نوع انبارها تا کنون فقط در بین عشایر نیمه کوچ‌نشین شهرستان بدره

1349 هـ ش بیشتر خانواده‌های کوچ‌نشین شمال خراسان که امکاناتی برای ساختن انبار داشته‌اند، انبارها را در کنار چادر خود بنا کرده‌اند، لذا هر دامداری ذخیره غذایی دام‌های خود را در نزدیک چادر و زیر نظر خود نگهداری می‌کند (پاپلی یزدی، 1371، 199). براساس مطالعات صورت گرفته توسط نگارندگان، این تنها گزارشی است که از نحوه ذخیره انبار غلات در بین عشایر کوچ‌نشین در ایران ارایه شده است. با این وجود در بین عشایر نیمه کوچ‌نشین گرد دامنه‌های زاگرس در شهرستان بدره واقع در استان ایلام گونه‌های متفاوت دیگری از انبار ذخیره غلات وجود داشته که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گونه‌شناسی انبار غلات در عشایر نیمه‌کوچ‌نشین شهرستان بدره

شهرستان بدره در شرق استان ایلام واقع شده است. این شهرستان از شمال به شهرستان سیروان، از غرب به شهرستان‌های ایلام و ملکشاهی، از جنوب به شهرستان‌های آبدانان، دهلران و دره شهر و از شرق به استان لرستان محدود می‌شود. رودخانه بزرگ سیمره این شهرستان را از استان لرستان جدا می‌کند. همچنین کبیرکوه که به‌عنوان طولانی‌ترین کوه کشور - به طول حدود 170 کیلومتر - شناخته می‌شود، همانند دیواری سترگ و ممتد این شهرستان را از قسمت جنوب و جنوب‌غرب احاطه نموده است. در واقع شهرستان بدره در بین دو پدیده طبیعی یعنی کبیرکوه در جنوب و جنوب‌غرب و رودخانه سیمره در شمال و شمال‌شرق واقع شده است. دامنه‌های شمالی کبیرکوه محل بیلاق عشایر و کرانه‌های جنوبی رودخانه سیمره محل قشلاق عشایر این منطقه از دیرباز تا کنون بوده است (تصویر شماره 1).

در استان ایلام مشاهده شده است. در حال حاضر نیز با تغییر شیوه زندگی عشایر، استفاده از این انبارها به فراموشی سپرده شده است. بقایای این نوع انبارها که به شکل و فرم بسیار زیبایی در دامنه کوه‌ها و دره‌های کوهپایه‌ای ساخته شده‌اند در اکثر نقاط شهرستان بدره مانند روستای زرانگوش، روستای زید، دره دربند، شهرک ولیعصر و روستای گنجه قابل مشاهده است.



ت 1. موقعیت شهرستان بدره در نقشه استان ایلام.

در ادامه به بررسی ویژگی‌ها و چگونگی ساخت هر یک از این انبارها اشاره می‌شود:

آماره (amarā)

این گونه از انبارها که در زبان محلی به آن‌ها «آماره» گفته می‌شود در دامنه‌های صخره‌ای کوه‌ها و به دلیل آفتابگیر بودن معمولاً رو به سمت جنوب ساخته می‌شدند. گرچه نمونه‌هایی از آن‌ها نیز وجود دارد که رو به جهات دیگر ساخته شده‌اند. در همه انبارها و به خصوص انبارهایی که آفتابگیر نبوده‌اند دوری کامل از بارندگی و رطوبت ملاک اصلی بوده است. بنابراین این نوع از انبارها را در شکاف عمیق صخره‌ها و یا قسمت‌هایی از دیواره صخره‌ها که بارندگی و رطوبت

به هیچ عنوان به آن نفوذ نمی‌کرد، ساخته می‌شدند. به گفته افراد محلی این انبارها از روی گونه‌های مشابهی که از قبل در منطقه وجود داشته، الگوبرداری شده‌اند. از نمونه‌های قدیمی‌تر هیچ نوع اطلاعاتی در دست نیست. طبق بررسی‌های محلی، این انبارها تا چند سال گذشته نیز مورد استفاده اهالی منطقه قرار می‌گرفته‌اند.

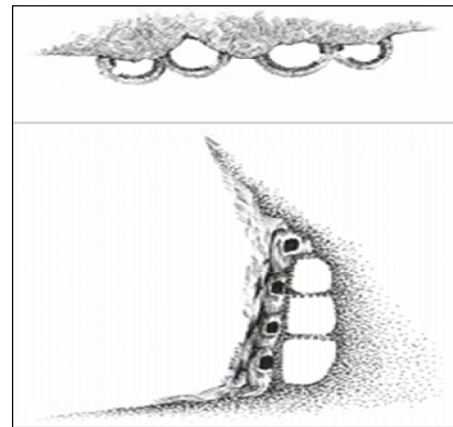
این انبارها، تقریباً به شکل فرم‌های استوانه‌ای و به صورت طبقات عمودی بر روی هم ساخته می‌شدند. تعداد طبقات آن‌ها، گاه به 4 تا 5 طبقه نیز می‌رسید. طبقات بالاتر معمولاً دارای حجم و ابعاد کوچکتری نسبت به طبقات پایین‌تر بودند. از طبقات پایین که دارای حجم بیشتری بودند برای نگهداری گندم و جو و از طبقات بالاتر که دارای حجم کمتری بودند برای نگهداری غلات و یا موادی که دارای ارزش غذایی بیشتری بودند و یا در محل کمیاب بودند مانند نخود، عدس، برنج و نمک استفاده می‌کردند. ارتفاع و عرض این انبارها در طبقات پایین معمولاً حداکثر 2 متر و در طبقات بالا حداکثر یک متر بوده است. هر خانوار حداقل دارای یک انبار بوده است البته خانواده‌هایی که دارای مواد غذایی - غلات و حبوبات - بیشتری بوده‌اند دارای انبارهای بیشتری نیز بوده‌اند. راه دسترسی به طبقات بالا از طریق دهانه کوچک قرارگرفته در بالا و یا جداره انبار پایین‌تر بوده که نقش پله برای طبقه بالایی را داشته است. این دهانه تنها راه پر و خالی نمودن انبار بود که به دلیل ابعاد کوچک آن، از کودکان برای رفتن به داخل انبار کمک گرفته می‌شده است (تصویر شماره 2).

مصالح بکار رفته در این گونه از انبارها گچ، خاک و سنگ بوده است. سقف آن‌ها تیرپوش (چوب، نی و حصیر) بوده است که با کاه‌گل روی آن‌را می‌پوشانده‌اند. نمونه این نوع انبارها در روستای زید واقع در 18

کیلومتری جنوب شرقی شهر بدره یافت می‌شوند (تصویر شماره 3).



ت 2. اماره‌های موجود در روستای زید. مأخذ: نگارندگان.

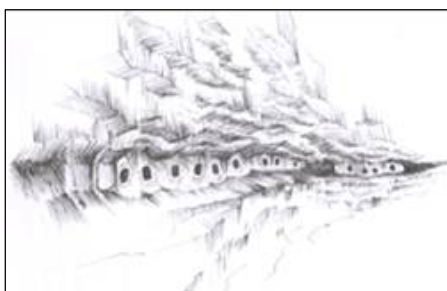


ت 3. نمونه پلان و مقطع بعضی از اماره‌ها. مأخذ: نگارندگان.

کنیوه (kaeniūae) یا کندو

کنیوه‌ها یا انبارهای شبیه کندو در شکاف طبیعی صخره‌ها و معمولاً در ارتفاعی غیرقابل دسترس ساخته شده‌اند. گرچه نمونه‌هایی از آن‌ها نیز وجود دارد که در ارتفاع پایین‌تر ساخته شده‌اند. این گونه از انبار غلات، معمولاً در جداره‌های رو به آفتاب ساخته شده و مصالح بکار برده شده در آن‌ها، از مصالح بومی یعنی سنگ، گچ و خاک بوده است. بعضی از این انبارها تنها دارای یک جداره می‌باشند، بدین معنی که تنها جداره انسان ساخت در این انبارها جداره نما بوده و دیگر جداره‌های انبار را شکاف طبیعی کوه شکل داده است. دسترسی به بعضی از این انبارها که در ارتفاع خیلی زیادی - گاهی تا حدود 30 متر - از سطح زمین قرار داشتند تنها از طریق طناب و یا افراد بسیار خبره میسر بوده است. انبارها در پناه صخره‌ها ساخته می‌شدند و آفتاب‌گیر بودن جداره آن‌ها، انبارها را از نفوذ رطوبت مصون می‌داشتند. ابعاد و اندازه انبارها کاملاً تابع وضعیت توپوگرافی، ارتفاع و عمق شکاف صخره‌ها بوده است. البته ارتفاع این انبارها معمولاً کمتر از 2 متر بود ولی طول آن‌ها با توجه به وضعیت صخره‌ها تا حدود 4 متر نیز می‌رسید (تصویر شماره 4). این گونه انبارها در حال حاضر در روستای گنجه واقع در 29 کیلومتری غرب شهر بدره، در روستای زرانگوش واقع در 20 کیلومتری جنوب شرقی شهر بدره (تصویر شماره 5) و همچنین در دره دربند واقع در 10 کیلومتری جنوب شرقی شهر بدره (تصویر شماره 6) مشاهده می‌شوند که تا چند دهه اخیر قابل استفاده بوده‌اند. از نکات قابل ذکر در مورد کنیوه‌های یافت شده در دره دربند می‌توان به جهت‌گیری غیر متعارف آن‌ها اشاره کرد به‌صورتی که این انبارها رو به آفتاب

موقعیت آن‌ها به گونه‌ای بوده است که به هیچ عنوان در معرض بارش باران و رطوبت قرار نداشته‌اند.



ت 5. نمونه‌ای از تصویر و طرح نمای انبارهای کنیوه واقع در روستای زرانگوش. مأخذ: نگارندگان.

نبوده و رو به سمت شمال ساخته شده‌اند. البته اگر چه انبارهای دره دربند رو به آفتاب ساخته نشده‌اند ولی



ت 4. نمونه‌ای از تصویر، طرح نما، پلان و مقطع یک انبار کنیوه واقع در روستای گنجه. مأخذ: نگارندگان.

امکان پذیر می‌باشد. مخزن‌های ذکر شده با حجمی در حدود 1 تا 2 متر مکعب، کاملاً نامنظم و به صورت لایه‌ای به عمق کوه نفوذ می‌کنند و دسترسی به لایه‌های پشتی از طریق دالان‌های ذکر شده صورت می‌گرفته است. لایه لایه کردن این انبارها و همچنین ابعاد کوچک آن‌ها، ضمن نگهداری غلات در مقابل دسترسی افراد غریبه و جانوران، مخازن را در مقابل نفوذ رطوبت عایق نموده است. عمده مصالح به کار رفته در این انبارها گچ، خاک و سنگ بوده

تاپو (tapoo)

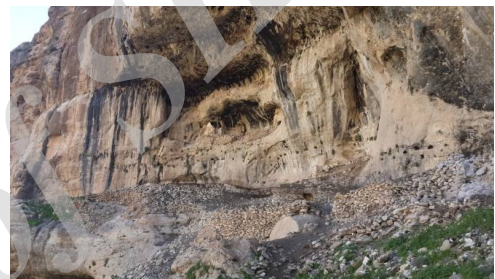
این گونه از انبارها که در زبان محلی به آن‌ها «تاپو» گفته می‌شود به دو گروه تقسیم می‌شوند. یک گروه از آن‌ها در قسمت رو به جنوب دره‌ها مکانیابی و ساخته شده‌اند. این گروه از انبارها شامل تعداد زیادی مخزن بوده که از طریق دالان‌هایی به یکدیگر متصل شده‌اند. دالان‌های متصل کننده دارای ارتفاعی در حدود 70 تا 80 سانتیمتر بوده، به گونه‌ای که عبور از آن‌ها به سختی

این انبارها به صورت پیوسته و در کنار هم ساخته شده‌اند. برای جلوگیری از نفوذ رطوبت احتمالی هر یک از این انبارها دارای سقف جداگانه می‌باشند. این انبارها دارای دیوارهای بسیار نازک حداکثر 20 سانتیمتر هستند. هر یک از این انبارها دارای دو دریچه یکی در بالا برای ریختن غله و دیگری در پایین برای برداشت غله هستند. این نوع از انبارها نیز همانند نمونه‌های قبلی به علت تغییر در شیوه زندگی عشایری، در حال حاضر مورد استفاده قرار نمی‌گیرند (تصویر شماره 8).



ت 7. نمونه‌ای از تصویر، طرح نما، پلان و مقطع انبار تاپو واقع در روستای شهرک ولیعصر. مأخذ: نگارندگان.

که از مصالح بومی منطقه می‌باشند. با وجود دیوارهای بسیار نازک حدود 10 تا 20 سانتیمتری انبارها، ولی پیوستگی سازه‌ای آن‌ها با ساخت طاق‌های کوچک بر روی هم، ارتفاع گرفتن این انبارها را در چندین طبقه برای سازندگان آن میسر می‌ساخته است. این شیوه از انبار سازی را می‌توان ترکیبی از انبارهای کنیوه و اماره دانست. در این شیوه همچون گونه اماره، انبارها به صورت طبقاتی ساخته می‌شده‌اند و همانند گونه کنیوه فاقد شکل هندسی خاصی بوده‌اند و شکلشان بیشتر وابسته به وضعیت توپوگرافی محیط بوده است (تصویر شماره 7).



ت 6. نمونه‌ای از تصویر انبارهای کنیوه واقع در دره دربند. مأخذ: نگارندگان.

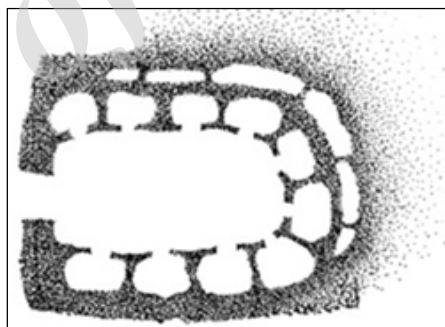
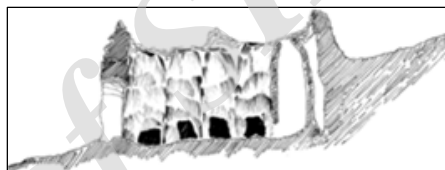
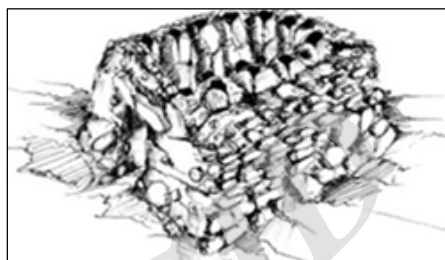
گروه دیگری از این انبارها (تاپوها) وجود دارد که گرچه در مجاورت نمونه قبلی قرار دارند ولی در فضای باز ساخته شده‌اند و هیچ اتکایی به دیوارهای صخره‌ای ندارند. این نوع انبارها معمولاً از گچ و سنگ ساخته شده‌اند. این انبارها شامل یک اتاق تقریباً چهارگوش به عرض حداقل 2 متر، طول حداکثر 4 متر و ارتفاع حداکثر 2/5 متر می‌باشد که سقف آن با تاق پوشیده شده است. ضخامت دیوار این اتاق‌ها از 40 سانتی‌متر تا حدود 1 متر متفاوت است. این اتاق‌ها دارای در ورودی می‌باشند. فضای داخلی این اتاق‌ها شامل یک راهرو (فضای تقسیم) و چندین انبار کوچک - حداقل 8 و حداکثر 16 انبار - در اطراف این راهرو می‌باشد.

زمان‌های کوتاه در نظر گرفته می‌شده است. از این رو وضعیت اقلیمی اهمیت چندانی نداشته، بنابراین آنچه برای کوچ‌نشینان در انتخاب محل حفر چاله‌ها اهمیت داشت، وجود خاک رس بوده، تا عملیات حفر و عایق نمودن انبارها میسر شود. همچنین انبارها نباید در مسیر حرکت سیلاب‌های فصلی قرار می‌گرفتند.

چاه حفر شده عمقی در حدود 1.5 تا 2 متر و شعاعی در حدود تقریباً 1 متر داشته است. انبار کردن در این انبارها به این صورت انجام می‌شده است که ابتدا کف چاله را با کاه پوشانده و همزمان با ریختن و بالا آمدن غلات، جداره‌ها را نیز با کاه می‌پوشاندند. کاه با گرفتن رطوبت زمین، متورم شده و نقش عایق را برای غلات

انبار شده، ایفا می‌کرده است. پوشش نهایی این انبارها از کاه و گل بوده و برای هدایت آب‌های سطحی به خارج از محدوده، چاله به صورت پشته یا گنبدی شکل ساخته می‌شد (تصویر شماره 9). نمونه این نوع انبارها در حال حاضر تقریباً وجود ندارد.

نوع دیگری از انبار موقت وجود داشته است که عشایر در کنار چادر خود و برای استفاده روزانه از غلات ایجاد می‌کردند. این انبارها معمولاً به شکل استوانه‌ای بودند. دیوار آن‌ها معمولاً از سنگ و گل ساخته شده و نمای داخلی و بیرون آن‌ها را برای جلوگیری از ورود موربانه و جانوران دیگر با کاهگل اندود می‌کردند. بعد از ساخت و اندود دیوارها، غلات مورد نیاز در داخل آن‌ها انبار می‌گردید و سقف آن‌ها بوسیله چوب و گل کاملاً پوشیده و مسدود می‌شد. در قسمت پایین این انبارها، دریچه‌ای برای برداشت غلات وجود داشته است. قطر و ارتفاع این انبارها حدود 1/5 متر بوده است. این انبارها شبیه انبار چال‌آو می‌باشند با این تفاوت که انبار چال‌آو پایین‌تر از سطح زمین ایجاد



ت 8. نمونه‌ای از تصویر، طرح پرسپکتیو، مقطع و پلان یک انبار تاپو در فضای باز واقع در روستای شهرک ولیعصر. مأخذ: نگارندگان.

نمونه این نوع انبارها در منطقه «روبه‌رود» واقع در 10 کیلومتری شمال شهرک ولیعصر و 20 کیلومتری شمال شرقی شهر بدره مشاهده می‌شود.

چال‌آو (Chalav)

این نوع از انبار غلات معمولاً در زمین‌های مسطح رسی غیرآبگیر ساخته و برای استفاده موقت در

تحلیل و بررسی

این تحقیق در سطح شهرستان بدره که از 3 مرکز شهری و 22 روستا تشکیل شده، صورت گرفته است. محوطه مورد بررسی به طول حدود 50 کیلومتر و عرض حدود 7 تا 10 کیلومتر است. این انبارها به طور کلی دارای ویژگی‌هایی هستند که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود.

انواع انبارها از نظر مدت زمان استفاده

از لحاظ ساخت، این انبارها به دو دسته انبارهای ثابت و موقت یا فصلی قابل تقسیم هستند. در این تقسیم‌بندی، انبارهای چال‌آو و انبارهایی که در کنار چادر عشایر ساخته می‌شد در زمره انبارهای موقت و سایر انواع انبارها در زمره انبارهای دائم قابل تقسیم هستند. ذخیره غلات در انبارهای موقت یا فصلی برای حداکثر حدود شش ماه بوده است ولی ذخیره غلات در انبارهای ثابت حداقل یک سال بوده است.

موقعیت قرارگیری انبارها

انبارهای چال‌آو که انبارهایی موقت و فصلی بوده‌اند معمولاً در داخل زمین‌های کشاورزی مسطح غیر آبیگر و رسی ساخته می‌شدند. بنابراین آنچه برای کوچ‌نشینان در انتخاب محل حفر چاله‌ها اهمیت داشته، وجود خاک رس و غیرآبیگر بودن سطح زمین بوده، تا عملیات حفر و عایق نمودن انبارها میسر شود. انبارهای موقتی نیز که برای استفاده روزانه مورد استفاده قرار می‌گرفتند در کنار چادر عشایر ساخته می‌شد. اما سایر گونه انبارها که انبارهایی ثابت و دائمی بوده‌اند معمولاً داخل دره‌های کوهپایه‌ای و با استفاده از ناهمواری‌های طبیعی دره‌ها و صخره‌ها ساخته می‌شدند. نکته مهم در ارتباط با ساخت انبارهای ثابت داخل دره‌های کوهپایه‌ای انتخاب مکانی

می‌شد ولی این انبارها روی زمین ساخته می‌شدند. همچنین این انبارها دارای دریچه‌ای در قسمت پایین برای برداشت روزانه غلات بودند ولی انبارهای چال‌آو هیچ گونه دریچه‌ای نداشتند و به محض آنکه در آن‌ها را باز می‌کردند بایستی غلات آن‌را یا مورد استفاده قرار می‌دادند یا جابه‌جا می‌کردند.



ت 9. مقطع یک چال‌آو. مأخذ: نگارندگان.

همچنین انبارهای چال‌آو معمولاً در زمین‌های مسطح و غیرآبیگر و در تعداد زیاد ساخته می‌شدند و به هنگام کوچ عشایر برای آن‌ها نگهداری می‌گماردند اما این نوع انبار موقت، روی زمین و به صورت اختصاصی و در کنار چادر عشایر ساخته می‌شد و نیازی به نگهداری نداشتند زیرا هر خانواده معمولاً یک انبار برای خودش می‌ساخت و خودش نیز از آن مراقبت می‌نمود. عشایر بعد از کوچ به مکان جدید این انبارهای موقت را رها نموده و در مکان جدید اقدام به ساخت انبار موقت دیگری می‌نمودند. نمونه این نوع انبارهای موقت روزمینی در عشایر کوچ‌نشین شمال خراسان نیز گزارش شده است (پاپلی یزدی، 1371، 199). در واقع عشایر غلات مورد نیاز روزانه خود را در انبارهای موقتی در کنار چادرشان نگهداری می‌کردند و غلات مازاد بر نیازشان را در انبارهای چال‌آو و یا انبارهایی که در پناه صخره‌ها و دره‌ها کوهستانی می‌ساختند، انبار می‌کردند.

بوده است که از دید و دسترس افراد بیگانه در امان بوده و از نفوذ رطوبت و ریزش نزولات جوی به داخل انبارها جلوگیری نماید. همچنین سعی می‌کردند که از قسمت‌های رو به آفتاب دره‌ها استفاده نمایند گر چه در بعضی از موارد به علت موقعیت خاص دره‌ها نتوانسته‌اند از قسمت رو به آفتاب دره‌ها استفاده نمایند ولی جلوگیری از نفوذ رطوبت یک اصل ثابت در انتخاب محل و ساخت این انبارها بوده است. البته همان‌طور که پیشتر ذکر گردید یک نوع انبار ثابت دیگر نیز وجود داشت که در فضای باز ساخته می‌شد. این نوع انبار نیز مانند سایر انبارهای ثابت برای جلوگیری از دید و دسترس افراد بیگانه در داخل دره‌های کوهستانی ساخته شده‌اند. این نوع انبارها طوری ساخته می‌شدند که دیوار رو به باران آن‌ها و یا دیواری که بیشترین رطوبت را جذب می‌کرد به صورت دوجداره باشد. نکته قابل توجه دیگر در مورد انبارهای ثابت این است که این انبارها همگی در جوار رودخانه‌ها و زمین‌های کشاورزی مکانیابی شده‌اند. بررسی‌های انجام شده در حوزه پیرامونی انبارهای ثابت، بقایایی از آسیاب‌ها را نشان می‌دهد که با منحرف کردن آب رودخانه، توسط این مردمان مورد استفاده قرار می‌گرفته است. این آسیاب‌ها که با استفاده از نیروی پتانسیل آب رودخانه کار می‌کرده‌اند حداکثر در فاصله 500 متری از انبارها مکانیابی شده‌اند. مجموعه انبارها و آسیاب‌های آبی، بخوبی نشان‌دهنده یک سیستم هوشمندانه و کامل از انبار کردن غلات از سوی مردمان این مناطق می‌باشد، به نحوی که ساکنین این مناطق می‌توانستند سنگ نمک و غلات ذخیره شده در انبار را آسیاب کرده و مورد استفاده قرار دهند. از این رو، کوچ‌نشینان این مناطق با انبار کردن غلات با روش‌های

ذکر شده، دیگر مجبور به حمل کل ذخیره سالانه خود در طول مسیر کوچ نبوده‌اند.

شیوه ساخت و مصالح

از آنجا که انبارهای چال‌آو در داخل زمین‌های مسطح و رسی حفر می‌شد نیاز به مصالح خاصی نداشت. این چاله‌ها با استفاده از بیل و کلنگ حفر می‌شدند و از باقیمانده خاک حاصل از حفر چاله‌ها که آن‌را با کاه (کاه‌گل) مخلوط می‌کردند برای جلوگیری از نفوذ رطوبت و پوشش چاله‌ها استفاده می‌کردند. اما برای ساخت سایر انبارها از مصالح بوم‌آورد منطقه مانند قلوه سنگ، تخته سنگ‌های پهن، بلند و با ضخامت کم (حداکثر 10 سانتی‌متر) و گچ استفاده می‌کردند. دیوار بیرونی انبارها به‌خصوص انبارهایی که در فضای باز قرار داشتند با استفاده از قلوه‌سنگ و گچ و حداکثر به ضخامت 50 سانتیمتر ساخته می‌شد اما دیواره بیرونی انبارهایی که در پناه صخره‌ها ساخته می‌شدند مانند انبارهای نوع تاپو، کنیوه و اماره معمولاً با قلوه‌سنگ‌های کوچک و یا تخته سنگ‌های پهن و بلند به صورت عمودی و به ضخامت حداکثر 25 سانتی‌متر ساخته می‌شدند. همچنین دیواره داخلی و دیوارک‌های جداکننده همه انبارها معمولاً با استفاده از تخته‌سنگ‌های پهن و بلند و به ضخامت حداکثر 10 سانتیمتر ساخته می‌شد. نمای داخل و بیرون تمامی انبارها به غیر از انبارهای موقت و فصلی با گچ اندود می‌گردید.

پوشش انبارها در انبارهای نوع تاپو و کنیوه و انبارهای دایمی که در فضای باز ساخته می‌شدند از روش تاق و از همان مصالح قلوه‌سنگ و گچ بوده است اما پوشش انبارهای اماره و همچنین انبارهای موقتی که

در کنار چادرها ساخته می‌شد با استفاده از تیرهای چوبی و کاهگل بوده است.

نحوه دسترسی به انبارها

با توجه به تنوع در شیوه ساخت و تفاوت در موقعیت جغرافیایی، توپوگرافی و قرارگیری این انبارها، دسترسی به آنها نیز متفاوت بوده است. در بین انبارهای مذکور دسترسی به انبارهای موقتی که در کنار چادرها ساخته می‌شد آسان‌تر بوده است زیرا این انبارها در نزدیک‌ترین نقطه به محل اسکان عشایر ساخته می‌شدند و عشایر به صورت روزانه از این انبارها استفاده می‌کردند. همچنین دسترسی به انبارهای نوع چال‌آو و انبارهای دایمی که در فضای باز ساخته می‌شدند و همچنین طبقات پایین انبارهای نوع اماره و تاپو به دلیل اینکه ساخت آنها از سطح زمین شروع می‌شد، ساده بوده است. ولی از آنجا که انبارهای نوع اماره و تاپو به صورت چند طبقه ساخته می‌شدند لذا دسترسی به طبقات بالاتر آنها، گرچه از طریق طبقات پایین‌تر صورت می‌گرفت ولی به علت ارتفاع زیاد طبقات، همواره با مشکلاتی همراه بوده است. اما دسترسی به بعضی از انبارهای نوع کنیوه بسیار سخت و مخاطره‌آمیز بود زیرا ارتفاع این انبارها از سطح زمین بسیار زیاد - گاه تا حدود 30 متر - بود و همچنین در کمرکش صخره‌های دره‌ها ساخته شده‌اند. نحوه دسترسی به این انبارها از طریق بالا رفتن از صخره‌ها بوسیله افراد ماهر و کوهنوردان محلی و در بعضی مواقع با کمک طناب صورت می‌گرفته است. از طناب هم برای بالا رفتن و هم آویزان شدن افراد از صخره‌ها برای دسترسی به بعضی از انبارها استفاده شده است. همچنین با کمک طناب و کیسه یا دلوی که به آن آویزان می‌شد برای پر و یا خالی کردن انبارها از غلات استفاده می‌شد.

غلات مورد نگهداری

در این انبارها معمولاً غلات مورد استفاده عشایر مانند گندم، جو، برنج و حبوباتی مانند نخود، عدس، ماش و همچنین نمک و بلوط نگهداری می‌شد. معمولاً در انبارهایی که دارای ابعاد و حجم بیشتری بودند و نزدیک به سطح زمین ساخته می‌شدند و دسترسی به آنها آسان‌تر بود گندم، جو، برنج و بلوط که بیشتر مورد استفاده عشایر بود نگهداری می‌شد و در انبارهایی که دارای ابعاد کوچکتر و حجم کمتری بودند و در طبقات بالاتر قرار داشتند و یا دسترسی به آنها مشکل‌تر بود حبوباتی مانند نخود، عدس، ماش و همچنین نمک نگهداری می‌گردید.

شیوه نگهداری و حفاظت از انبارها

در فصل‌هایی که عشایر در منطقه حضور نداشتند برای حفظ، نگهداری و مراقبت انبارها از دستبرد دزدان، اشرار و یا موارد دیگر مانند رسیدگی به غلات داخل آنها از لحاظ جلوگیری از نفوذ رطوبت، موریانه و حیوانات موذی معمولاً یک نفر از عشایر را به عنوان نگهبان انتخاب می‌کردند. معمولاً دستمزد نگهبان را از غلات موجود در انبارها تأمین می‌کردند و البته کسانی که دارای غلات بیشتری بودند بایستی دستمزد بیشتری پرداخت می‌کردند. در بعضی مواقع نیز همه عشایر در نگهبانی از انبارها مشارکت می‌کردند و نگهبانی از انبارها به صورت نوبتی انجام می‌گرفت. بدیهی است در این صورت به کسی دستمزدی پرداخت نمی‌گردید. همچنین برای جلوگیری از ورود موش و یا حیوانات موذی دیگر از اندود گچ برای پوشش نمای داخلی و بیرونی انبارها استفاده می‌کردند و معمولاً با پاشیدن نمک در داخل انبارها و روی غلات از نفوذ موریانه‌ها پیشگیری می‌گردید.

نحوه مالکیت

هر مجموعه از این انبارها که در یک محل ساخته می‌شدند، متعلق به یک طایفه و یا یک قوم بوده‌اند. معمولاً هر خانواده حداقل دارای یک انبار بوده است. البته خانواده‌هایی که فرزندان و یا تملک بیشتر و متنوعی داشتند، می‌توانستند چندین انبار داشته باشند. این انبارها در بین عشایر همان طایفه قابل خرید و فروش بوده و حتی اجاره داده می‌شدند.

استتار

عشایر برای حفاظت از انبارهای خود علاوه بر گماردن نگهبان، معمولاً سعی داشته‌اند آن‌ها را در مناطقی مکانیابی نمایند که زیاد جلب توجه ننماید. لذا این انبارها در داخل دره‌ها و در پناه صخره‌ها ساخته شده‌اند. همچنین از مصالح بومی و هم‌رنگ با صخره‌ها در ساخت انبارها استفاده شده است. هم‌رنگی انبارها و صخره‌های اطراف به نحوی می‌باشد که بعضی از این انبارها حتی در فاصله بسیار نزدیک برای افراد غیر بومی قابل شناسایی نمی‌باشد. این مسئله برای نگارندگان به هنگام بازدید از انبارهای مذکور کاملاً مشهود بود. انبارهای چال‌آو نیز که در داخل زمین‌های مسطح ایجاد می‌شدند معمولاً بعد از پر کردن آن‌ها با غلات، به نحوی سطح آن‌ها با گل و خاک پوشیده می‌شد که فقط برای صاحبان آن‌ها قابل تشخیص بود.

تاریخ و زمان ساخت

در ارتباط با زمان ساخت این انبارها هیچ اطلاعی در دست نیست. همچنین نمی‌توان از طریق نوع مصالح مورد استفاده و شیوه و فرم ساخت آن‌ها به نتیجه‌ای دست یافت. زیرا مصالح مورد استفاده بوم‌آورد بوده و فرم ساخت آن‌ها نیز تابع سبک خاصی نبوده است. اما از آنجا که این انبارها تنها مختص به عشایر محلی

منطقه بود و از آنجا که مردم این منطقه، با توجه به آثار شهرها و آبادی‌های بر جای مانده تقریباً تا حدود اوایل قرن هفتم هجری - زمان حمله مغول - یکجانشین بوده‌اند لذا احتمالاً این انبارها متعلق به بعد از قرن هفتم هجری بوده‌اند. با این وجود، گرچه از زمان ساخت انبارهای مذکور اطلاعی در دست نیست ولی استفاده از آن‌ها تا دهه‌های اخیر مرسوم بوده است.

نتیجه

تا به امروز مطالعات بسیاری در زمینه زندگی کوچ‌نشینی انجام شده که شامل مواردی همچون مطالعه نظام اجتماعی، فرهنگ مردمی، مسیرها و مکان‌های کوچ و حتی نوع معماری مسکن می‌شود. در این بین تا کنون هیچ مطالعه‌ای در زمینه نحوه نگهداری غلات و انبارهای ذخیره غلات کوچ‌نشینان که نقش اساسی در بقای این مردمان دارد، صورت نگرفته است.

در این مقاله سعی شده است تا به معرفی، گونه‌شناسی و تحلیل انبارهای غلات مورد استفاده توسط عشایر کوچنده کوهپایه‌های زاگرس در شهرستان بدره واقع در استان ایلام پرداخته شود. شیوه پاسخگویی عشایر این منطقه، به نیازهای ضروری معیشت، با بهره‌گیری از استعدادها و پتانسیل‌های بافت طبیعی پیرامون، نوعی از زندگی، که اصطلاحاً آن‌را زندگی نیمه‌کوچ‌نشینی می‌نامیم، میسر ساخته است. اماره، تاپو، کنیوه و چال‌آو، در شکل انبارهایی برای ذخیره غلات نقشی حیاتی را در زندگی نیمه‌کوچ‌نشینان این منطقه ایفا کرده است. لازم به توضیح است که با بررسی‌های میدانی که توسط نگارندگان در سرتاسر استان ایلام صورت گرفته است، نمونه‌ای از این نوع شیوه انبار کردن غلات توسط عشایر سایر مناطق استان مشاهده نشده است. همچنین در تحقیقات و مطالعات

فهرست منابع

- اکبری، علی. (1383)، پیشگفتار، مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، جلد اول، صص 8-1.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر. (1367)، کوچ‌نشینی در ایران: پژوهشی درباره عشایر و ایلات، تهران، آگاه، چاپ ششم، 1384.
- پاپلی یزدی، محمدحسین. (1371)، کوچ‌نشینی در شمال خراسان، ترجمه اصغر کریمی، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- زاگارل، آلن. (1385)، باستان‌شناسی پیش از تاریخ منطقه بختیاری: ظهور شیوه زندگی در ارتفاعات، مترجم کورش روستایی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان چهارمحال و بختیاری.
- صفی‌نژاد، جواد. (1385)، مبانی جغرافیای انسانی، چاپ هشتم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- طیبی، حشمت‌الله. (1371)، مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، تهران.
- فیلیبرگ، س. ج. (1372)، سیاه‌چادر، مسکن کوچ‌نشینان و نیمه کوچ‌نشینان جهان در پویه تاریخ، ترجمه اصغر کریمی، مشهد، آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی.
- مشیری، سیدرحیم. (1372)، جغرافیای کوچ‌نشینی (مبانی و ایران)، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها «سمت».
- مورتسن، اینگه دیمانت. (1377)، کوچ‌نشینان لرستان، ترجمه محمدحسین آریا، انتشارات پژوهنده، تهران.
- نوراللهی، علی. (1390)، "بررسی قوم باستان‌شناسی کوچ‌نشینی و ایل‌راه‌های مناطق شمالی استان ایلام"، فرهنگ ایلام، شماره 32 و 33، صص 93-116.
- نیک خلق، علی اکبر و نوری، عسگر. (1383)، زمینه جامعه‌شناسی عشایر ایران، چاپ پنجم، تهران.

صورت گرفته در سایر مناطق کشور تا کنون نمونه‌ای از این نوع شیوه انبار کردن غلات در بین عشایر گزارش نشده است.

ویژگی مشترک کلیه این انبارها به شرح زیر است:

1. محافظت از غلات در برابر عوامل جوی و به‌خصوص رطوبت ناشی از آن
 2. محافظت از غلات در برابر دستبرد سارقین و دیگر موجودات
 3. استفاده از مصالح بوم آورد و همساز با اقلیم
- در واقع این سه ویژگی را می‌توان شاخصه اصلی انبارهای غلات در زندگی نیمه‌کوچ‌نشینان این نواحی دانست.

شیوه ساخت این انبارها، که یک معماری دریناه طبیعت را با بهره‌گیری از مصالح بومی و استفاده از پتانسیل‌های طبیعی موجود پدید آورده است، از یکسو ما را با جنبه خاصی از فرهنگ فراموش شده زندگی نیمه‌کوچ‌نشینی آشنا می‌سازد و از سوی دیگر، چگونگی ایجاد یک معماری پایدار و همساز با طبیعت از سوی مردم بومی این مناطق را نشان می‌دهد.

تشکر و قدردانی

در پایان لازم است مراتب تشکر و سپاسگزاری خود را از تمامی بزرگان و معمرین منطقه از جمله جناب آقای یاسین کریمی از بزرگان شهر بدره، جناب آقای امیر خرم از بزرگان شهرک ولیعصر، جناب آقای نجف سلار و بابامیر خسروی از اهالی روستای پاکل و دوست عزیزمان جناب آقای دکتر عزت‌اله صفرخانی که در انجام این پژوهش با تواضع و سخاوت‌مندی، اطلاعات بسیار ارزشمندی را در اختیار نگارندگان قرار داده‌اند، ابراز نماییم.

- ورجاوند، پرویز. (1344)، روش بررسی و شناخت کلی ایلات و عشایر، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، تهران.

- هول، فرانک. (1352)، دوره پیش از تاریخ در جنوب غربی ایران لرستان، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند، انتشارات اداره فرهنگ و هنر استان لرستان، خرم‌آباد.

- Adams, R. MCC (1974) The Mesopotamia social Landscape: A view from the frontier in more, c (ed) Reconstruction complex societies supplement to the bulletin of American schools of oriental Research 20, pp:1-11.

- Bates, D.G & Lees, S.H. (1977), "The role of exchange in Productive specialization", American Anthropologist 79, pp: 824- 841.

- Haerinc, K, E

- Hole, Frank (1978) "Pastoral nomadic in western Iran", In Explorations in ethno archaeology, Richard A. Gould, ed. pp 127- 167. Albuquerque: university of New Mexico Press.

- Pullar, Judit (1990) "Tepe Abdul Hosein a Neolithic site in western Iran", BAR International Series 563.

- Zagarell, Allen (1975) Nomad and settled in the Bakhtiari mountains, Sociologic n.s. 25, pp: 127- 138.

Archiv